

پژش روزنامه‌ها

راهکار عبور از وضعیت «نه جنگ، نه صلح»

روزنامه رسالت در یادداشتی نوشت: شاید برخی تصور کنند خروج از فضای نه جنگ نه صلح، حرکت به‌سوی اطلاق (جنگ یا صلح) است اما زمانی که فحوای کلام رهبر حکیم انقلاب اسلامی را مورد قفص و بررسی قرار دهیم، متوجه توصیه خاص ایشان مبنی بر خروج از این وضعیت دوگانه (که دشمن عاملانه در صدد خلق و استمرار آن در داخل کشورمان است) خواهیم شد. در این خصوص دو نکته اساسی وجود دارد که لازم است موردتوجه قرار گیرد:

راه از بین بردن وضعیت نه جنگ نه صلح، «توافق بد» یا «جنگ» نیست بلکه کافی است کشور را به متغیری مستقل (و نه متغیری وابسته به مؤلفه‌های بیرونی) تبدیل کنیم، بر همین اساس، نقطه ثقل و مصدر حل‌وفصل مضلات و کمبودهای داخلی کشور را باید در درون خود و نه در رفتار، گفتار، تاکتیک و استراتژی دشمنان قسم‌خورده کشورمان جست‌وجو کنیم. بنابر این خروج از وضعیت نه‌جنگ نه صلح، تضادی با آمادگی مطلق در برابر دشمن نداشته و اتفاقاً در گرو بر هم زدن پیش‌فرض‌ها و محاسبات مبنایی و ادراکی دشمنان در این جنگ ترکیبی است. نکته دوم، معطوف به تشخیص مصادیق عبور از وضعیت نه جنگ نه صلح در برهه کنونی و تشریح آن برای افکار عمومی کشور است. خوانش بازی دشمن در خلق وضعیت «نه جنگ نه صلح» و «صد هوشمندانه بازی دشمن» به ما این امکان را می‌دهد تا پس از اشراف بر مفاهیم و مبانی کلان رویکرد خصم قسم‌خورده امریکایی و اروپایی ملت ایران، گلوگاه‌های این بازی وقیحانه و راهکارهای مواجهه با آن را به‌صورت مصادیقی و عینی بشناسیم. در این صورت نه‌تنها قادر به عبور از وضعیت «نه جنگ نه صلح» خواهیم بود، بلکه آینده ایران قوی را برای فرزندان خود تضمین خواهیم کرد.

تعارض با واقعیت‌های تاریخی و اصول حقوق بین‌الملل

روزنامه ایران در یادداشتی پیرامون بیانیه اخیر شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا پس از نشست وزیران در کویت نوشت: نخست باید یادآور شد که حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه مسملهای تاریخی، مستند و قطعی است و اساساً چیزی به نام «اختلاف ارضی» در این زمینه از دید حقوق بین‌الملل وجود ندارد. همه اسناد تاریخی، از دوران حضور انگلیس در خلیج فارس تا توقافت رسمی میان ایران و شیخ‌نشین شارجه، بر مالکیت بریتانیا منعقد شده. شیخ شارجه رسماً پذیرفت که جزایر متعلق به ایران است و پس از پایان دوره ۹۶ساله، به ایران بازمی‌گردند. بر همین مبنا، بازگشت جزایر در سال ۱۹۷۱ نه تصرف بلکه احیای حاکمیت تاریخی ایران بود. بنابر این هر گونه ادعای امارات یا حمایت کشورهای عربی و اروپایی از چنین ادعایی، نته‌تنها فقدان وجهت حقوقی است، بلکه مغایر با اصل احترام به حاکمیت ملی کشورهاست. در کنار موضوع جزایر که بحث تمامیت ارضی کشور است، بخش دیگری از بیانیه به لحن مداخله‌جویانه خواستار محدودسازی برنامه‌های موشکی و پهپادی ایران شده است. چنین درخواستی آشکارا مغایر با اصول حقوق بین‌الملل، از جمله اصل حاکمیت ملی و اصل منع مداخله در امور داخلی کشورهاست. برنام‌های موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی ایران بخشی از توان دفاعی مشروع کشور است. هیچ قدرت خارجی، سازمان ملل یا نهادهای حقوقی قادر در حوزه دفاعی ایران دخالت کند یا آن را محدود سازد. اگر چنین منطقی پذیرفته‌شود، ایران نیز می‌تواند متقابلاً از کشورهای اروپایی یا امریکا بخواهد که برنامه‌های تسلیحاتی خود را متوقف کنند.

فروپاشی اعتبار اروپا

روزنامه جام‌جم در یادداشتی نوشت: کشورهای اروپایی با صدور بیانیه مشترک اخیر همراه با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و تأیید ادعای مالکیت امارات متحده عربی بر سه جزیره ایرانی (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) وارد یک مسیر دیپلماتیک برخطر شده‌اند. این اقدام نه تنها اعتبار تاریخی اتحادیه اروپا بر حفظ بی‌طرفی و احترام به تمامیت ارضی دولت‌های منطقه را مخدوش می‌سازد؛ بلکه از منظر ملت ایران، به معنای حمایت آشکار از تجزیه تمامیت ارضی یک کشور مستقل تلقی می‌شود. با این نوع موضع‌گیری‌ها، اعتبار باقیمانده اروپا نزد افکار عمومی ایران به سرعت در حال زودن است. به نظر می‌رسد ایران اقدام اروپایی، یک مانور سیاسی برای جبران شکست‌های پی در پی در سیاست خارجی منطقه‌ای آنها باشد، به ویژه در رابطه با تحریم‌های سازمان ملل. تاش غرب برای فعال‌سازی مجده سیاه‌دیگر در منطقه با تحریم‌های سازمان ملل تلاش برای غلبه بر مخالفت قاطع و هماهنگ روسیه و چین مواجه شد. این مخالفت مانع از شکل‌گیری کمیته نظارت بر تحریم‌ها گردید و در نتیجه، به توجیه حقوقی و سیاسی خود را برای اعمال تحریم‌های بین‌المللی بیشتر از دست داد. فعال‌سازی مکتلیس‌ماشه برای اروپا، نه تنها نتیجه‌ای نداشت، بلکه به یک افتخار سیاسی و حقوقی بین‌المللی تبدیل شد. این اقدام بار دیگر نشان داد سیاستمداران اروپایی در محاسبات خود نسبت به تحولات جهانی و نقش بازیگران اصلی دچار اشتباه محاسباتی فاحش بوده‌اند. این اشتباه، یک نقطه سیاه دیگر در سوابق تاریخی روابط اروپا با ایران ثبت می‌کند؛ سیاستی که به جای تسهیل دیپلماسی، مسیر تقابل را با تأیید ادعاهای تنش‌زا تقویت می‌کند. تأیید ادعاهای منطقه‌ای با نادیده گرفتن اسناد تاریخی و حاکمیت دولت مرکزی، مستقیماً در تضاد با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است.

درباره کرست حرف آخر ازنید

روزنامه قدس نوشت: بیش از ۲۰سال است موضوع پرونده کرستن روی آنتن افکار عمومی است و هر از گاهی اخبار و مواضع جدید آن را زنده می‌کند. آخرین اخبار که طی همین روزها منتشرش شد از مصاحبه ساختمان ۲۵ میلیون دلاری وزارت نفت در لندن و مصاحبه ۱۲/۲میلیارد دلار در مالزی حکایت دارد. این اخبار در شرایطی است که کرستن به ویژه در زمان مناظرات انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته، محل نزاع جدی برخی نامزدها بود و نوعی صف‌کشی سیاسی درباره آن شکل گرفته است. اکنون که به نظر می‌رسد بار دیگر پرونده کرستن روی میز افکار عمومی آمده و طرفین سیاسی این دعوا بار دیگر به میدان آمده‌اند و طرف مقابل را به تحمیل چنین زیان بزرگی به بیت‌المال متهم می‌کنند، لازم است در وهله نخست، دستگاه قضایی نسبت به این پرونده و عوامل مؤثر بر تحمیل چنین زیان بزرگی به کشور وارد شود و ضمن تبیین پیگیری‌های حقوقی داخلی (در برخورد با مسببان این زیان) و خارجی (در پیگیری پرونده در دیوان بین‌المللی) توصیف دقیقی از پرونده کرستن ارائه دهد، البته در سال‌های گذشته بحق دستگاه قضایی در قبال این پرونده با احتیاط رفتار می‌کرد؛ چراکه مواضع داخلی مسئولان رسمی و دستگاه قضایی می‌توانست بر روند پیگیری مسئله در دیوان بین‌المللی اثر منفی بگذارد اما اکنون با صدور حکم و اجرای آن به نظر می‌رسد دستگاه قضایی باید از متصرفان این پرونده، از متولیان عهد این قرارداد تا مقصران لغو آن به صورت غیر حقوقی و غیرمنطقی بازخواست کند و تکلیف ملت و افکار عمومی را در قبال این پرونده حقوقی و قضایی مشخص کند. در هر حال دستگاه قضایی باید مرجع اعلام نظر در خصوص پرونده حقوقی که منافع ملت را در مورد ارباب داده و محل دعوای سیاسی شده است، باشد و اجازه ندهد منافع ملی وسط دعوای سیاسی و اهمال کاری‌ها مشغول مرور زمان شده و قربانی شود.



گفت‌وگو
فائزه سادات یوسفی

گفت‌وگوی «جوان» با جعفر قنابداشی، کارشناس غرب آسیا

«طوفان الاقصی» استراتژی امریکا و اسرائیل را یک جادود کرد



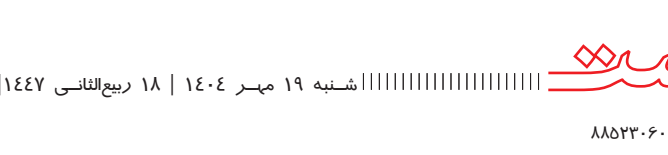
نمایی از استیمبال نظامیان صهیونیست پس از طوفان الاقصی

در پی زمزمه‌های وقوع آتش‌بس در غزه، شاهد ترویج این پرسشی و ابهام در میان برخی جریان‌ها و تحلیلگران هستیم که گویا عملیات «طوفان الاقصی» به نتیجه مطلوب خود نرسیده است. این افراد، پذیرش آتش‌بس از سوی حماس را اقرارنامه شکست مقاومت فلسطین تفسیر می‌کنند و برخی یک گام بالاتر تدبیر حماس را مسبب نابودی و کشته شدن تعداد بی‌شماری از مردم غزه می‌دانند. این تحلیل‌ها با سطعی‌نگرانه و ناشی از عدم تعمق و درک مسائل مهم در منطقه و به ویژه رژیم‌صهیونیستی است یا به طور عمده تضعیف اصل مقاومت و تهی کردن معنای آن در جامعه را دنبال می‌کند. با آقای جعفر قنابداشی، کارشناس مسائل غرب آسیا ضمن پاسخ‌های مستاوردهای مهم و تعیین‌کننده طوفان الاقصی، اهمیت و ضرورت آن را در برهه زمانی وقوع عملیات ابهام‌مورد اشاره بررسی کرده‌ایم.

چه شرایطی بر سرزمین‌های اشغالی حکمفرما بود که به شکل‌گیری طوفان الاقصی منجر شد؟

همه آنهایی که اخبار منطقه را دنبال می‌کردند و علاقه‌مند به تحولات بودند، به خوبی واقفند که پیش از عملیات «طوفان الاقصی» گروهی افراطی و بسیار تندرو در کابینه نتانیاهو بر سر کار آمد که نه تنها، بلکه بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران جهان را نگران کرد. همگی هشدار دادند که این گروه افراطی مسلماً در صدد کشتار وسیع در فلسطین است. اگر مطبوعات سال ۱۴۰۲ را از ابتدای فروردین تا ۱۵مهر دنبال کنیم، می‌بینیم چه رخدادهایی در فلسطین اتفاق افتاد و کابینه نتانیاهو چگونه کشتار را در کرانه باختری آغاز کرد و برنامه‌ریزی برای حمله به غزه را در دستور کار داشت. شاید افراد بی‌اطلاع ندانند از راندی که غزه از حضور نظامی صهیونیست‌ها پاکسازی شد (پیش، رژیم صهیونیستی ۱۲جنگ مختلف را به غزه تحمیل کرد اما است، جنگ‌های معروف ۲۲روزه، هشت روزه، پنج روزه، چندین برگیری کوتاه یک تا دو روزه و نیز جنگ ۱۲روزه «شمشیر قدس» که همه آنها را صهیونیست‌ها آغاز کردند، اما هرگز نتوانستند غزه را وادار به تسلیم کنند. در سال ۱۴۰۲ با روی کار آمدن همان گروه افراطی،

آخر



گفت‌وگوی «جوان» با جعفر قنابداشی، کارشناس غرب آسیا

روزنامه جوان | شماره ۷۴۲۱ | شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۴ | ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷

سرویس سیاسی، ۸۸۵۲۳۰۶۰

گذشته از دست داده بود. اینجا بود که سیاست راهبردی امریکا آشکارا شکست خورد و ثابت شد نمی‌تواند اصلی‌ترین سیاست خود در منطقه، یعنی حفظ امنیت اسرائیل را اجرا کند. دلیل متراکم‌تر و پررنگ‌تر شدن حضور امریکا در منطقه هم همین است. دومین مسئله، مأموریتی است که امریکا برای خود تعریف کرده بود: ادعای حفاظت از انتقال منطقه غرب آسیا به جهان سرزمینداری، اما در پرونده یمن، پس از درگیر شدن، امریکامجبور به آتش‌بس با یمن شد. این در تاریخ امریکای سابقه است که آنها نخست نتوانند مأموریت خود- یعنی تضمین امنیت انتقال نفت از خاورمیانه- را محقق کنند و سپس در یمن مجبور به پذیرش آتش‌بسی شوند که از نظرشان بسیار خفت‌بار است. اکنون حدود شش ماه است انگلیس، امریکا و اسرائیل در حال حملات مداوم به یمن هستند، اما یمن همچنان پابرجاست و به مقاومت خود ادامه می‌دهد. این دو مورد، دستاوردهای شکست امریکا محسوب می‌شوند.

مردم فلسطین، چگونه طعم پیروزی نهایی را می‌چشند؟

دستاوردی که برای خود فلسطین حاصل شد، این است: از مجموع حدود ۲میلیون و ۲۰۰هزار نفری که در نوار غزه هستند، نزدیک به ۲۰۰هزار نفر- یعنی حدود ۱۰درصد- به شهادت رسیدند. امروز اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان (بیش از ۱۴۰کشور) به تشکیل کشور فلسطین رأی داده‌اند. این یک دستاورد بزرگ در عرصه بین‌الملل است. در تاریخ، بسیاری از کشورهایی در استیلا به استقلال تلفات سنگینی داده‌اند. الجزایر را ببینید: ۷میلیون جمعیت، یک میلیون کشته (یکهفتم) داد تا از فرانسه مستقل شود، اما اینجا شما می‌بینید که با حدود ۱۰درصد تلفات (البته با احتساب مجروحان) سه پیروزی‌های بزرگی دست یافته‌اند. پس از آن، تحت تعقیب قرار گرفتن نتانیاهو و دیگر مقامات رژیم‌صهیونیستی را شاهدیم. عملیات فلسطینیان، اسرائیل را از حالتی که خود را «محبوب» می‌پنداشت به منفورترین گروه در چارچوب جهانی تبدیل شد. شما ملاحظه می‌کنید که غزب از دست‌آوردهای نفوذ استفاده می‌کرد: یکی اهرم نظامی برای رساندن ملت‌ها و دیگری نقاب حقوق بشر برای فریب افکار عمومی. در ۱۰۰سال گذشته، استعمار با این دو ابزار، تاریخ را به تسخیر درآورده است، اما امروز، هر دو اهرم را از دست داده است، حتی اهرم حقوق بشر نیز از دست غربی‌ها خارج شده است، همین که می‌بپنید ترامپ، نتانیاهو را تهدید می‌کند، به دلیل خطر بزرگی است که متافع کل غرب را تهدید می‌کند. امروز هیچ‌کس در جهان، آن «چهره حقوق بشری» غرب را باور ندارد و این سقوط، دستاورد بسیار بزرگی برای ما محسوب می‌شود. ما ۴۵سال است با دستسگاه تبلیغاتی خود، در کنار کشورهای انقلابی، مستقل و جنبش عدم‌تعهد (۱۲۰عضو) کوشیده‌ایم بگوییم که حقوق بشر برای غرب تنها ابزاری برای چهره‌ارایی است. امروز خود این‌ها نقاب از دست‌آوردهای خود دستاورد، پیروزی بزرگی برای جهان است.

طوفان الاقصی چگونه راهبر اصلی امریکا در منطقه را به شکست کشاند؟

دستاورد دیگر، مربوط به امریکاست. اولویت اصلی سیاست امریکا در خاور میانه، حفظ امنیت اسرائیل بود، اما امروز نه تنها امریکا، بلکه متحدانش مانند انگلیس نیز نتوانسته‌اند این امنیت را تأمین کنند و ناکارآمدی خود را آشکارا نشان داده‌اند. ثانی در شهرهای اسرائیلی به حدی است که یکی از دلایل اصلی برقراری آتش‌بس پس از دو سال، نیاز جامعه صهیونیستی به امنیتی است که در دو سال

خطیب جمعه تهران:

بر نامه دفاعی ایران ربطی به دیگران ندارد

زیست عقیقانه یک تکلیف و وظیفه همگانی است

بی‌وقا هستند و شما را فقط می‌دوشند، با ایران بیندید که همسایه شماست و اگر علم و قدرت می‌خواهید همه در ایران است. ایران بزرگ‌ترین حامی شماست، وی با اشاره به اینکه راهبر د مطابق تأکید رهبر معظم انقلاب پیشرفت در تمام عرصه‌هاست، از تلاش‌های رئیس‌جمهور و معاون اول تقدیر و ابراز امیدواری کرد که برای کاهش رنج‌ها و دشواری‌هایی که در زندگی اقتصادی مردم است، شاهد برنامه‌ریزی‌های جدیدتری باشیم. حاج‌علی‌اکبری همچنین در بخش دیگری از سخنان خود راجع به غزه و فلسطین اظهار داشت: هفتم اکتبر را پشت سر گذاشتیم؛ دومین سال آغاز عملیات طوفان الاقصی، برادران و خواهران ایمانی! نگاهی به چهره پر از خیانت و اندوه و ورشکسته رژیم‌صهیونیستی بینداز. در این دو سال چه شکست‌هایی به این رژیم خیبت تحمیل شد و هیبت آنها ملتانی و شکست اقتصادی بر آنها تحمیل شد. امروز مغفورترین جماعت و باند در زندگی مجبور شد با رژیم‌صهیونیستی است و این شکست‌ها در همه عرصه‌ها بر آنها تحمیل شد، پروژه‌های راهبردی نظیر طرح ابراهیم داشتند که همه آنها با شکست مواجه شد، امام جمعه موقت تهران تصریح کرد: رژیم‌صهیونیستی می‌خواست ریشه حماس را بکند و مجبور شد با همین گروه به مذاکره بنشیند. مردم غزه در اوج احساس پیروزی هستند و رژیم‌صهیونیستی ورشکسته و تسری خورده است. این

خبر

در همایش «خیزش فرزاتگان در برابر خردکشی»

لاریجانی: واشینگتن و تل آویواز تروریسم علمی‌رونمایی کردند

رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی می‌گوید: امروز با پدیده‌ای به نام تروریسم علمی مواجه شده‌ایم، البته قبلاً به ترور شهدایی از جمله شهید علیمحمدی شاهد چنین رویه‌ای بودیم اما واشینگتن و تل آویو که قبلاً این اقدامات را مخفیانه انجام می‌دادند، در سال‌های اخیر از آن به عنوان یک مدل ترور بیستی رونمایی کرده‌اند.

■ ■ ■

به گزارش ایرنا، محمدجواد لاریجانی صبح پنج‌شنبه در همایش بین‌المللی «خیزش فرزاتنگان در برابر خردکشی» که به حضور دانشمندان بین‌المللی از کشورهای روسیه، استرالیا، لبنان، ایتالیا و یمن در محل پژوهشگاه دانش‌های بنیادی بر گزار شد، افزود: دشمن به دنبال انحصارگرایی علمی است، شهید طهرانچی و شهید فقیهی را که در خصوص پروتورمائی کار می‌کردند، به شهادت رساندند، آیا اینان بمب می‌ساختند؟ خیر.

رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی با بیان اینکه غربی‌ها به دنبال انحصار علم هستند، اضافه کرد: علوم برای بعضی از ملت‌ها در نظر آنان مناسب نیست، دلیل این کار خیلی روشن است و آن حفظ سلطه است.

عقوب‌الصراف، وزیر اسبق محیط زیست و سیاستمدار لبنانی نیز طی سخنانی در این همایش با اشاره به ادامه جنایات تروریستی رژیم‌صهیونیستی علیه دانشمندان و شخصیت‌های علمی و نخبگان تأکید کرد: این جنایات باید به عنوان جنایات جنگی قلمداد شود.

وی با تأکید بر ضرورت مقابله با جنایات خرد کشی، تأسیس دبیرخانه بین‌المللی برای همایش خیزش فرزاتنگان علیه خردکشی و دفتری ویژه برای پیگرد و مستندسازی جنایات خردکشی در سازمان ملل را پیشنهاد داد.

لیانگ ژیانگ، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات آسیای غربی و آفریقا نیز در این همایش گفت: غربی‌ها به دنبال سرکوب دانش و پیشرفت تکنولوژی از سوی کشورهای دیگر هستند. تنها مسیر پیش رو برای پیشرفت دانش عدم‌انحصار در دانش است.

وی اضافه کرد: امروزه شاهد این هستیم که در شرق دستیایی به فناوری و علم موضوعی رو به پیشرفت است. ما می‌بینیم که ایران به دستاوردهای هسته‌ای نائل شده و در غرب برخی‌ها اندوهگین شده‌اند که ایران به دستاوردهای هسته‌ای و دانشی دست پیدا کرده است. در این همایش همچنین دیوید میلر، پژوهشگر انگلیسی با اشاره به اخراجش از دانشگاه پرینستون به دلیل انتقاد از صهیونیست‌ها و طرح‌ات از فلسطین گفت: حمله به دانشمندان در انگلستان را شاهدیم. صهیونیست‌ها در غزه همه پژوهشکان، خبرنگاران و مسئولان را ترور کردند. وی افزود: جامعه انگلیس به خوبی از نسل کشی رخ‌داده در غزه باخبر است. همه فلسطینی‌ها را دارند از این بین می‌برد. سانسور و اخراج کارمندان و خلع آنان از مقام‌های مهم دارد همه چیز را کنترل میلر ادامه داد: آنچه ما می‌بینیم فقدان پروژه اسرائیلی‌ها و آنان برای اینکه بتوانند هژمون غرب آسیا شوند، طرح‌های خودشان را اجرا می‌کنند. از طرف دیگر صهیونیست‌ها حمایت بین‌المللی خودشان را نسبت به قبل از دست‌دادن اکثرین صهیونیست‌ها دارند تلاش می‌کنند جامعه نخبگانی منطقه را پاکسازی کنند.

در ادامه اسکندروویچ نینگماوتولین، معاون سابق وزیر انرژی روسیه و یکی از اعضای هیئت روسی در ساخت نیروگاه اتمی بوشهر در این همایش گفت: شهادت دانشمندان امریکا، عامل یک ضایعه بزرگ است. وی افزود: من خیلی متأسفم که ژاناس انرژی اتمی ترور دانشمندان هسته‌ای ایران را محکوم نکرد، آنان باید محکوم می‌کردند. نباید هر چیزی مجاز شود، وگرنه آتش کینه و نفرت باقی می‌ماند. این مسائل باید محکوم شود و هرگز رخ ندهد.

اداره

معمار جبهه شرارت

در منطقه‌ای که سال‌هاست زیر سایه جنگ و ویرانی نفس می‌کشد، امریکانه تنها ناظر، بلکه معمار اصلی بسیاری از فجایع است. از غزه تا لبنان و از یمن تا ایران، سیاست‌های واشینگتن از تزیق میلیاردها دلار تسلیحات و حمایت‌های بی‌قیدوشرط، بستر و استمرار شرارت‌ها و جنایت‌های سازمان‌یافته را ممکن کرده است. این ادعا نه از سر شعار، بلکه بر اساس اسناد و داده‌های رسمی، از جمله گزارش‌های شورای روابط خارجی امریکا، سرویس تحقیقات کنگره و پروژه «هزینه‌های جنگ» دانشگاه براون است.

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۱۰۹ خود نوشته است: بر اساس دو گزارش اخیر از این روزها، امریکابار اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون بیش از ۲۱میلیارد دلار به اسرائیل کمک کرده است؛ رقمی که با احتساب عملیات‌های نظامی منطقه‌ای امریکا به حدود ۳۳میلیارد دلار می‌رسد. بدون این پشتیبانی، اسرائیل قادر به ادامه جنگ‌های در غزه و سایر نقاط منطقه نبود. رژیم‌صهیونیستی برای تأمین بمب‌ها، موشک‌ها و مهمات به‌شدت به امریکا وابسته است؛ به گونه‌ای که ۷۸درصد از واردات نظامی اسرائیل از امریکا تأمین می‌شود.

در جنگ دوساله غزه بیش از ۶۷هزار فلسطینی توسط اسرائیل و حمایت‌های امریکای شدید و مدنی و یک قریضه خدمت‌اتعمی، طبق گزارش ۲۰۲۴ دولت بایدن، بسیاری از تسلیحات استفاده‌شده در این جنگ شامل بمب‌ها ۲هزار پوندی و موشک‌های «هلفایر» ساخت امریکابوده‌اند که در بمباران غیرنظامیان به کار رفته‌اند و مصادق نقض آشکار حقوق بشر دوستانه بین‌المللی محسوب می‌شوند. این حمایت‌ها محدود به جنگ غزه نیست. در لبنان بیش از ۴هزار نفر در حملات اسرائیل به شهادت رسیدند.

حملات اسرائیل به یمن و ایران نیز با استفاده از موشک‌ها و سامانه‌های دفاعی امریکایی انجام شده است و در ایران و یمن، امریکا مستقیماً خود نیز وارد جنگ شد. نکته مهم این است که این سیاست حمایت از اسرائیل مختص حزب جمهوری‌خواه یا دموکرات به‌تنهایی نیست و بین دو حزب تفاوتی در این مورد وجود ندارد. دولت‌های مختلف امریکا توافق‌های تسلیحاتی جدیدی به ارزش میلیاردها دلار با اسرائیل امضا کرده‌اند و این نشان‌دهنده تداوم یک سیاست دوحزبی در حمایت بی‌قید از تل‌آویو است.

بر اصلی این سیاست‌هاست بر دوش مالیات‌دهندگان امریکایی است. گزارش‌ها نشان می‌دهد هر مالیات‌دهنده امریکایی به‌طور متوسط حدود ۱۶۵ دلار برای این جنگ‌ها پرداخت کرده است، این در حالی است که کسری بودجه ۷۱۱میلیارد دلاری و بدهی ۴۶۳تریلیون دلاری امریکا موجب کاهش بودجه خدمات عمومی، بیمه درمانی و آموزش شده است. تنها ایالت کالیفرنیا بیش از ۰۰۰عملیون دلار از مالیات شهروندان خود را صرف کمک به اسرائیل کرده است. یخش قابل‌توجهی از این بودجه مستقیماً به شرکت‌های تسلیحاتی امریکایی مانند لاکهید مارتین و ریتینون بازمی‌گردد که از ادامه جنگ سودهای کلان می‌برند.

بررسی اسناد و روندهای موجود نشان دهنده این است که رژیم‌صهیونیستی تنها یک ابزار در خدمت سیاست‌های امریکا در منطقه است و همه شرارت‌ها و جنایت‌های مختلف توسط امریکا مدیریت می‌شود. واقعیت این است که ذات‌مانی که دلاره‌های امریکایی به سوخت جنگ در غرب آسیا بدل شوند، امریکانه صلح‌سالز، بلکه معمار اصلی شرارت در منطقه باقی خواهد ماند.